

حادثه‌ها

دستگیری سارق خانه‌عروس و داماد

● شرق: سارقی که از منزل نوعروس و تازه‌داماد سرقت کرده بود، به دام افتاد.

چندی‌قبل پرونده‌ای با موضوع سرقت منزل از کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس برای شناسایی سارق یا سارقان به پایگاه چهارم پلیس آگاهی ارسال شد. شاکی با حضور در پلیس آگاهی به کارآگاهان گفت: ساعت هشت شب روز حادثه، برای گرفتن فیلم عروسی به اتفاق همسرم از منزلمان خارج شدیم و در ساعات پایانی شب به منزل مراجعه کردیم. با بازکردن در واحد آپارتمان متوجه به‌هم‌ریختگی منزل و سرقت اموال و طلاجات شامل انگشتر، گردنبند و... به ارزش تقریبی ۶۰ میلیون تومان شدیم.

کارآگاهان پس از شنیدن گفته‌های شاکی به همراه تیم بررسی صحنه جرم راهی محل سرقت شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد سارق یا سارقان با استفاده از کلید وارد آپارتمان شده و پس از سرقت اموال از محل گریخته‌اند. با مشخص‌شدن این موضوع، احتمال ارتکاب سرقت توسط فرد یا افراد آشنا قوت گرفت. تحقیقات پلیسی حکایت از این داشت که فردی میانسال ابتدا وارد لابی، سپس طبقات و پارکینگ ساختمان شده و پس از سرک‌کشیدن در طبقات پس از مدت کوتاهی خارج شده است.

در ادامه تحقیقات میدانی تصویر واضحی از متهم به دست آمد و مشخص شد این مرد سابق بر این در ساختمان سکونت داشت. در گام بعدی از تحقیقات پلیسی، مخفیگاه متهم در شرق تهران شناسایی و با هماهنگی بازپرس شعبه اول دادسرای ناحیه ۳۴ تهران دستگیر شد. متهم در تحقیقات مقدماتی ضمن پذیرش جرم ارتكابی در اظهاراتش اعتراف کرد: به خاطر مشکلات مالی و تأمین هزینه مصرف مواد مخدر سرقت را انجام دادم و اموال مسروقه را به افراد ناشناس فروختم. او همچنین گفت: از آنجایی که در این ساختمان زندگی می‌کردم، نقشه سرقت را به تنهایی کشیدم و عملی کردم. متهم با صدور قرار قانونی از سوی بازپرس پرونده برای انجام تحقیقات تکمیلی و کشف سایر جرائم احتمالی و بررسی سوابق کیفری در اختیار کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی قرار دارد. سرهنگ کارآگاه «مرتضی نثاری» رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی پایتخت دراین‌باره گفت: با اشاره به اینکه یکی از راه‌های ورود سارقان به ساختمان استفاده از بالکن طبقات اول است، به شهروندان توصیه می‌شود: حتماً برای بالکن طبقات اول و پنجره‌ها حفاظ مناسب نصب کنید و در صورت نصب دوربین مدارسته از دوربین‌های باکیفیت استفاده و حتماً یکی از دوربین‌ها را در محل مناسبی در کوچه یا خیابان نصب کنید و از نگهدای اموال قیمتی و باارزش در منزل دوری کنید.

کلاهبرداری میلیاردی از شرکت بیمه

● شرق: بازاریاب قدیمی شرکت بیمه که پس از ترک کار، یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال از این شرکت کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد. سرهنگ تئورج کاظمی رئیس پلیس فتا گفت: بیست‌وسوم خرداد مدیرعامل یک شرکت خدمات بیمه‌ای با دردست‌داشتن شکایتی از دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای به پلیس فتا مراجعه و اظهار کرد: با تماس‌های تلفنی از سوی بیمه‌گذاران این شرکت، متوجه شدم شخصی ناشناس وارد سیستم بیمه شده و پس از واردشدن به برنامه صدور بیمه شخص ثالث و بدنه اتومبیل و هر دو دقیقه یک بار برای مشتریان شرکت، بیمه‌نامه صادر یا بیمه‌نامه‌ها را فسخ کرده است. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه با دریافت شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس فتا مسئولیت پرونده را بر عهده گرفتند، افزود: ظن اینکه متهم از کارکنان فعلی یا سابق شرکت است، در تحقیقات پلیسی قوت گرفت و کارآگاهان به تحقیق در این خصوص پرداختند.

وی با بیان اینکه کارآگاهان موفق شدند مردی ۴۱ساله از کارکنان سابق شرکت را شناسایی کنند، بیان کرد: نتیجه تحقیقات انجام‌شده در اختیار مقام قضائی قرار گرفت و دستور دستگیری متهم در مخفیکاهش اخذ شد. رئیس پلیس فتا گفت: با شناسایی مخفیکگاه متهم، تیمی از کارآگاهان پلیس فتا به مخفیکاه متهم اعزام و موفق شدند پس از مدتی مراقبت‌های ویژه وی را در مخفیکاهش دستگیر کنند. این مقام انتظامی درخصوص اظهارات متهم عنوان کرد: متهم پس از انتقال به پلیس فتا اظهار کرد بازاریاب شرکت بود ولی شرکت بابت ۱۲ سال سنوات خدمتی، حق و حقوقی پرداخت نکرد و او برای انتقام‌جویی از شرکت با داشتن نام کاربری و رمز عبور وارد سایت شرکت بیمه شده و ضمن تعامل با بیمه‌گذاران، بیمه‌نامه‌های ثالث را صادر یا فسخ و مبالغی از این بابت دریافت کرده است. کاظمی با بیان اینکه کارشناسان ارزش ریالی اموال کلاهبرداری‌شده را یکمیلیاد و ۵۰۰ هزار ریال تخمین زده‌اند، تصریح کرد: با تکمیل تحقیقات پلیسی متهم برای سیر مراحل قانونی در اختیار مرجع قضائی قرار گرفت.

● شرق: زنی که خواهان قصاص دامادش به‌خاطر قتل پسرش بود، در آخرین لحظات بدون هیچ چشمداشتی داماد خود را بخشید و به او زندگی دوباره داد.

به گزارش خبرنگار ما، این بخشش در آخرین روزهای آذرماه در محوطه زندان اتفاق افتاد و مادرزن این مرد میان‌سال وقتی التماس‌های دامادش را دید، به‌خاطر دختر و نوه‌اش از خون فرزند خود گذشت کرد و اجازه داد قاتل پسرش بدون پرداخت پول به‌عنوان دیه به زندگی بازگردد.

متهم که حسن نام دارد، در زمان قتل ۴۵ ساله بود. او در دادگاه ارتکاب قتل را انکار کرد و درباره حادثه گفت: «من پس از تولد فرزندم به همراه همسرم راهی خانه خودمان شدم. برادر همسرم هم به خانه ما آمد. همسرم به دلیل دردی که داشت، بی‌تابی می‌کرد و من از او خواستم که تا بهبودی کاملش این شرایط دشوار را تحمل کند. من درخواست خودم را با صدای بلند به او گفتم و نگران از مشکل همسرم روی زمین نشسته بودم که صالح شروع به فحاشی به من کرد و گفت چرا با خواهرش بلند حرف زده‌ام. بعد هم او که هیکل تنومندی داشت، ناگهان از پشت‌سر به من حمله و مرا با مشت و لگد مضروب کرد. من به‌شدت غافلگیر شده بودم و قدرت واکنش نداشتم. لحظه‌ای

حوادث

بخشش بدون قیدوشرط قاتل برادرزن



مرگ را جلوی چشم‌مانم دیدم و با خودم خداحافظی کردم. برادرزنم به این کنک‌کاری بسنده نکرد و لحظاتی بعد مرا به آشپزخانه کشاند و درحالی‌که روی سینه‌ام نشسته بود، مرا با مشت به‌شدت مضروب کرد. من دیگر توان تحمل نداشتم و قدرت واکنش هم از من سلب

معمای جنایت حین نزاع دسته‌جمعی در پارک

او معترض شدم چرا سر راه خانواده‌ام قرار گرفته است. گاوِه که دید ممکن است از من کتک بخورد، با دوستان و اقوامش تماس گرفت و آنها هم آمدند. من در آن درگیری به‌شدت کتک خوردم و آن‌قدر من را زدنِ که روی زمین افتادم البته قبول دارم که چاقو داشت‌م اما در درگیری زمین خوردم و چاقو هم از دستم افتاد و بعد فرار کردم.

متهم در ادامه گفت: چند روز بعد از این حادثه بود که شنیدم گاوِه کشته شده است. بعد هم من به‌عنوان قاتل معرفی گردنـد. آنها چاقوی من را که روی زمین افتاده بود، برداشته و به پلیس داده و گفته بودند این آلت قتاله است در حالی که اصلا روی چاقوی من خون نبود و پزشکی قانونی هم این موضوع را تأیید کرده است.

متهم درباره اینکه آیا دشمنی‌ای با مقتول داشت یا خیر، گفت: من هیچ دشمنی‌ای نداشتم اما دوستم به من گفت گاوِه مست است و با شیشه جلوی اعضای خانواده‌ام را گرفته و می‌خواهد به آنها آسیب برساند من هم رفتم که آنها را نجات

درخواست دیه از سوی ۲ مرد که نابینا شده‌اند

به‌شدت به لحاظ روانی تحت تأثیر قرار گیرند و به‌ویژه دخترم اصلا حال خوبی ندارد هر چند بچه‌هایم گفته‌اند درخواست قصاص کنم اما من آدمی نیستم که بتوانم چنین درخواستی کنم به همین دلیل از قصاص گذشت می‌کنم و درخواست دیه دارم.

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت. او اتهام را قبول کرد و گفت: همسرم قاتل گرفته بود و من و بچه‌هایم با مادرم زندگی می‌کردیم. دخترم با دختر مستاجر مادرم دوست بود و آنها به مدرسه‌ای که این مرد سرپادارش بود، رفت‌وآمد می‌کردند اما یک روز قبل از حادثه دوستِ دخترم به من گفت سرایدار مدرسه مزاحم او شده و برایش پیامک فرستاده است.

من که شیشه کشیده و خیلی پریشان بودم، به مدرسه رفتم و این مرد را زدم اما یک روز بعد متوجه شدم اشتباه کردم و اصلا بیامکی

کار آگاهان در برابر ۳ پرونده جنایی

کرده‌اند. آنها در بازجویی‌ها گفتند چون فردی به یکی از اقوام وفات‌یافته آنها فحاشی کرده بود، قصد داشتند از او انتقام بگیرند، به‌همین‌دلیل به قهوه‌خانه شلیک کردند، چون گمان می‌کردند او در آن محل حضور دارد.

دومین پرونده جنایی که شب پیدا گشوده شد، مربوط به مرگ مرمرز مردی ۸۲ ساله است. این پیرمرد چند روز قبل درحالی‌که زخمی بود، مقابل در خانه‌اش پیدا و به بیمارستان منتقل شد تا اینکه در نهایت جان باخت. شب حادثه یکی از همسایگان پیرمرد پیکر نیمه‌جان او را یافت و پلیس و اورژانس را با خبر کرد.

یکی از طایفه دختر این مرد که چند خانه آن‌طرف‌تر سکونت داشت و متوجه شلوغی غیرطبیعی کوچه شده بود، وقتی به خیابان آمد، فهمید چه اتفاقی برای پدرش رخ داده است. همان زمان با انتقال

شده بود که ناگهان او با یک کارد سرش را شکافت، به‌طوری‌که خون همه صورتش را پوشاند. او سپس با چاقو به سراغ من آمد و من که در معرض کشته‌شدن قرار داشتم، از روی زمین کارد آشپز‌خانه را برداشتم تا شاید او از من بترسد.

متهم در ادامه گفت: ما با هم گلاویز شدیم و من درحالی‌که با دست‌هایم کمرش را گرفته بودم، نفهمیدم چطور چاقو به بدنش فرو رفت و نقش بر زمین شد. برادرزنم قصد کشتن مرا داشت، اما من قصد قتل نداشتم و او را نگهسته‌ام.

هیئت قضات پس از آخرین دفاع متهم وارد جلسه ششور شدند و در نهایت برای او به درخواست مادرزنش که ولی‌دم محسوب می‌شد، حکم قصاص صادر کردند. پس از آن در ادامه مراحل قانونی رسیدگی به پرونده، دیوان‌عالی کشور نیز رأی صادره را تأیید کرد و در نهایت پس از استیذان قرار بود این حکم در آخرین روزهای آذرماه در محوطه زندان به اجرا درآید. روز اجرای حکم داماد که خود را در چندقدمی مرگ می‌دید، به مادرزنش التماس کرد و درحالی‌که تنها چند قدم با مرگ فاصله داشت، مادرزن او که تنها اولیای‌دم بود، حاضر شد از خون فرزند خود بگذرد تا شاید دختر و نوه‌اش روزگار بهتری را در پیش داشته باشند. به‌این‌ترتیب متهم به سلول خود بازگردانده شد.

سپس دیگر متهمان که هفت نفر بودند، به اتهام مشارک در نزاع دسته‌جمعی محاکمه شدند. آنها نیز تک‌به‌تک دفاعیات خود را مطرح کردند و مدعی شدند دیده‌اند که متهم ردیف اول گاوِه را زده است. سپس وکیل‌مدافع متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت. او گفت: موکل من اتهام را قبول ندارد. او هرگز به قتل اعتراف نکرده است ضمن اینکه گفته‌های شاهدان با آنچه پزشکی قانونی اعلام کرده است، همخوانی ندارد. پزشکی قانونی گفته است مقتول با چاقویی دوبله کشته شده و محل اصابت چاقو نشان می‌دهد با چاقوی معمولی نبوده است. ضمن اینکه اگر قرار بود با چاقویی که به عنوان آلت قتاله معرفی شده است موکل من مرتکب قتل شده باشد، قطعاً باید این چاقو خون‌آلود می‌بود که این‌طور هم نبوده است بنابراین با توجه به گفته‌های موکل و نبود دلائل قانونی و انکار موکل، درخواست برائت موکل را دارم.

در پایان قضات شعبه ۲ برای تصمیم‌گیری دراین‌باره وارد شور شدند.

وجود ندارد و همه چیز دروغ است. من از کرده خودم پشیمانم و درخواست بخشش دارم. در دومین جلسه دادگاه مردی‌که از سوی یک شهروند مورد حمله قرار گرفته و چشمش را از دست داده بود، خطاب به قضات گفت: من در خیابان کنار دوستانم بودم که مردی با شمایل خاص نزدیک من شد. او لباس خاصی پوشیده بود و صورت خاصی داشت و مثل داعشی‌ها بود. یک‌دفعه با فریاد به‌سمت من حمله و یک ضربه چاقو به صورتم وارد کرد. او قبل از اینکه برود، گفت چون دو نفر صحبت می‌کردند و تو خندیدی، من هم تو را زدم. آن مرد فرار کرد و من هرگز نفهمیدم چه کسی بود. مأموران هم نتوانستند او را بازداشت کنند حالا که چند سال از ماجرا گذشته و متهم دستگیر نشده است، من درخواست دیه از بیت‌المال دارم. قضات برای تصمیم‌گیری درباره هردو پرونده وارد شور شدند.

زمان حادثه در خانه حضور نداشتند. بازپرس جنایی تهران شامگاه شنبه سومین قتل را نیز به ثبت رساند. مأموران کلانتری عباس‌آباد ساعت ۳۳ آخرین روز آذرماه به بازپرس اطلاع دادند جنازه مردی جلوی بوستان اندیشه، واقع در مقابل ساختمان مخابرات رها شده است. کارآگاهان جنایی وقتی به محل رسیدند، با توجه به ظاهر و لباس‌های خاک‌آلود مقتول حدس زدند او کارتن‌خواب باشد. اما بازرسی لباس‌های این مرد به کشف هویت او منجر و معلوم شد او کارتن‌خواب نیست.

جسد به دستور بازپرس جنایی به پزشکی‌قانونی منتقل شد و اکنون تحقیقات برای شناسایی خانواده مقتول ادامه دارد. همچنین کارآگاهان درصدد هستند با بازبینی تصاویر دوربین‌های مدارسته محل کشف جسد، سرنخی از این معمای جنایی به دست بیاورند.

رخداد

زورگیری از پیک‌های موتوری رستوران‌ها

● شرق: سه سارق که از پیک‌های موتوری حامل غذا زورگیری می‌کردند، دستگیر شدند. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ دراین‌باره گفت: هجدهم مهر پرونده‌ای با موضوع زورگیری به همراه یک متهم به نام فرید ۳۴ساله برای شناسایی دو همدست او از کلانتری ۱۴۷ کلبرگ به پایگاه چهارم پلیس آگاهی ارسال شد.

او عنوان کرد: شاکی با مراجعه به پلیس آگاهی گفت: در رستورانی به عنوان پیک مشغول به کار هستم. روز حادثه سفارش غذا به مقصد تهرانپارس اعلام شد و برای تحویل غذا به آدرس اعلامی مراجعه کردم. با رسیدن به آن محل موتورسیکلم را پارک کردم و قصد تحویل سفارش را داشتم که سه جوان به سمت حمله‌ور شدند و پس از تهدید با شوکر و ضرب‌وشتن سلاح سرد، غذا و مبلغ ۳۰۰ هزار تومان وجه نقدی را که همراهم بود، سرقت کردند و بلافاصله از محل گریختند.

نثاری با اشاره به اینکه شاکی پس از مدتی تعقیب دزدان مشاهده کرده بود یکی از سارقان وارد ساختمانی در همان حوالی شده است، ادامه داد: سارق در تحقیقات پلیسی، ازسوی مأموران کلانتری ۱۴۷ کلبرگ شناسایی و دستگیر شد. اما متهم مدعی بود نشانی از هم‌دستانش ندارد. او تصریح کرد: در پایش‌های اطلاعاتی مشخص شد پرونده‌های مشابه دیگری به همین شیوه در پایگاه چهارم در حال رسیدگی است که با تجمع این پرونده‌ها و مراجعه به محل‌های سرقت، کارآگاهان موفق به شناسایی سارقان و سپس مخفیگاه آنان در غرب پایتخت شدند. رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی عنوان کرد: تردد مجرمان تحت نظر قرار گرفت تا اینکه با هماهنگی‌های قضائی هر دو سارق در مخفیکاهشان دستگیر و برای تحقیقات تکمیلی به پایگاه چهارم منتقل شدند.

او اضافه کرد: هر سه سارق به همدستی با یکدیگر در سرقت از پیک‌های موتوری رستوران‌ها اقرار و تا کنون ۲۱ نفر از مال‌باختگان آنان را شناسایی کرده‌اند.

رئیس پایگاه چهارم عنوان کرد: با تکمیل تحقیقات پلیسی هر سه سارق با دستور مقام قضائی روانه زندان شدند.

آتش‌سوزی مرگ‌بارکارگاه چوب

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از جان‌باختن یک‌نفر در آتش‌سوزی کارگاه چوب خبر داد. سیدجلال ملکی درباره جزئیات این حادثه مرگ‌بار گفت: ساعت ۳:۴۴ باسداد دیروز یک مورد حادثه آتش‌سوزی گسترده در کارگاه چوب و مصنوعات چوبی به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اطلاع داده شد و بلافاصله پس از آن سه ایستگاه به همراه تانکرهای آب به محل واقع در خیابان نرگس اعزام شدند.

او با بیان اینکه محل آتش‌سوزی کارگاهی مسقف به وسعت حدوداً ۴۰۰ متر بود که با سقف‌های شیروانی که مقاومت کمی در برابر حرارت دارد پوشیده شده بود، گفت: این کارگاه محلی برای تولید مصنوعات چوبی بود که در آن مقدار زیادی چوب نگهداری می‌شد. این کارگاه یک نیم‌طبقه نیز داشت و در بخشی از آن اتاقی برای استراحت کارگران وجود داشت.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با تأکید بر اینکه اطلاعات اولیه حاکی از آن بود که یکی از کارگران داخل کارگاه حضور دارد، گفت: آتش‌نشنان به‌طور هم‌زمان عملیات اطفای حریق را آغاز کردند و با به‌هم‌راه‌داشتن تجهیزات تنفسی وارد محل شدند و جست‌وجو را انجام دادند.

به گفته ملکی، کمی پس از ادامه جست‌وجوها آتش‌نشنان پیکر سوخته این کارگر را که جوانی ۱۸ ساله و تبعه افغانستان بود، پیدا کردند.

او افزود: آتش‌نشنان در ادامه عملیات از گسترش آتش جلوگیری کردند و حریق اطفا شد.

آگهی تغییرات شرکت وینو پلاستیک
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۶۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۹۰۸۰۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۴اتصمیمات ذیل اتخاذ شد:
- آقایان محمدتقی غیائی (کد ملی : ۲۴۱۰۹۲۶۶۷۳) و فرشید غیائی(کد ملی :۰۰۷۷۷۹۱۷۷) به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند .
- موسسه حسابرسی آتیه حساب ارقام (شماره ثبت ۳۰۸۱ و شناسه ملی: ۱۳۳۲۰۱۳۴۵۱۷) به سمت بازرس اصلی و آقای علی اصغر کریمی (کد ملی: ۲۴۱۰۸۸۸۳۳۲) به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند -
روزنامه کنترلاانتشار شرق جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.
-پس از قرائت گزارش بازرس قانونی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۹۷ مورد تصویب قرار گرفت.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرج (۷۰۵۵۳۳)
(۷۰۵۵۳۳)

آگهی تغییرات شرکت وینو پلاستیک
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۶۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۹۰۸۰۱ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
- آقای محمد تقی غیائی کدملی ۲۴۱۰۸۶۳۴۶۹ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای مجید غیائی کدملی ۲۴۱۰۹۲۶۶۷۳ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای فرشید غیائی کدملی ۰۰۷۷۷۷۹۱۷۷ به سمت مدیر عامل به مدت دو سال انتخاب گردیدند .
- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء مشترک با مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره متفقاً" و با حق توکیل به یکدیگر همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات به امضاء رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت به مدت دو سال دارای اعتبار می باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کرج (۷۰۵۴۹۸)